

بررسی مجله سالانه مولانا رومی ری ویو

(Mawlana Rumi Review)

شماره اول، ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰

حسن لاهوتی

کاروان دانشگاهیان مغرب زمین سخت می‌کوشد از قافله گروهی که من، در بازار مکاره مولوی‌شناسی غرب، آنان را «عامه جویان» می‌خوانم و آثارشان را «عامه پسند» می‌دانم، و پرکارترین نماینده آنها آقای کالمن بارکس^۱ امریکایی ست، عقب نماند. البته ناگفته پیداست که تفاوت میان آن کاروان و این قافله از زمین تا آسمان است: آن یک خواص را منزل به منزل می‌برد و این یک بلیط‌هایش را به لشکر عوام می‌فروشد اما خود تنها به سوی شهر دلار می‌تازد. در حالی که نوشتن مقاله‌ای پژوهشی شاید به ماه‌ها وقت نیاز داشته باشد، رونویسی‌های شاعرانه آقای بارکس از روی ترجمه‌های عالمانه دانشمندانی چون نیکلسون و آربری فقیه، به گواهی کتاب‌های متعددی که منتشر کرده است، کار شاقی به نظر نمی‌آید.

مؤسسه رومی در دانشگاه خاور نزدیک قبرس،^۲ گروه مطالعات مولانا وابسته به مرکز پژوهش‌های فارسی و ایرانی،^۳ موسسه مطالعات عربی و اسلامی،^۴ در دانشگاه اگزیتیر بریتانیا،^۵ مجله‌ای دانشگاهی را تأسیس کرده‌اند که هر سال یک شماره‌اش به مقاله‌هایی پژوهشی اختصاص دارد که دانشمندان جهان درباره زندگی، افکار، شعر و میراث معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی رومی تألیف کنند. این مجله، افزون بر مقالات، گزارش‌ها، ترجمه انگلیسی شعرها، بررسی مقالات و بررسی کتاب‌هایی را که درباره مولانا نوشته شده باشد، به زبان‌های انگلیسی و فرانسه منتشر می‌سازد. سردبیری این مجله سالانه با نام مولانا رومی ری ویو (Mawlana Rumi Review) را آقای دکتر لئونارد لویسون^۶ استاد دانشگاه اگزیتیر بریتانیا برعهده دارد و گروهی از مولوی‌شناسان شرق و غرب با او همکاری می‌کنند. آدرس این نشریه برای مکاتبه به این شرح است:

Dr. Leonard Lewisohn
Institute of Arab and Islamic Studies, University of Exeter
Stocker Road, Exeter, Ex4 4ND, UK.
Email: info@mawlanarumireview.com

نخستین شماره این مجله در ۱۸۴ صفحه، سال گذشته ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰، به بازار آمد و تصویری از مولانا جلال‌الدین را بر پشت جلد داشت. در گزارش زیر می‌کوشم خلاصه‌ای بسیار کوتاه از هر مقاله را برای شما بنویسم تا اگر خواستید، اصل آن را به انگلیسی بجویید:

۱. سرآغاز، به قلم گوکالپ کامل (Gokalp Kamil) مؤسس موسسه رومی دانشگاه خاور نزدیک قبرس؛ او در این مقاله کوتاه توضیح می‌دهد که فکر تأسیس این مجله از کجا پیدا شد و انگشت اشاره را به سوی دکتر فرانکلین لوئیس، مولف شهیر کتاب مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب، نشانه می‌رود و تاریخ آن را به پایان کنفرانس دو روزه‌ای باز می‌گرداند که در شانزدهم سپتامبر سال ۲۰۰۷ در محل تربت مولانا، در قونیه برگزار شد.
۲. یادداشت سردبیر، لئونارد لویسون (Leonard Lewisohn)، دانشگاه اگزیتیر؛ او در این گفتار پس از سرگذشت مختصر مولانا جلال‌الدین و تاریخچه کوتاهی از فعالیت مولوی پژوهی در غرب، درباره ضرورت انتشار مجله‌ای سخن می‌گوید که بتواند پژوهش‌ها و آراء دانشمندان و محققان حوزه مولوی‌شناسی را از شرق و غرب گیتی گرد آورد و در خود منعکس سازد. او به حق یاد آور می‌شود که «امروز، نشریات مخصوص همه شاعران بزرگ انگلیسی زبان — مانند میلتون (Milton)، کیتز (Keats)، شلی (Shelley) و بلیک (Blake) و بیشتر شاعران کم‌اهمیت انگلیسی مانند توماس مرتون (Thomas Merton)، و جان میسفیلد (John Masefield) فراوان است اما هیچ نشریه‌ای نیست که به یکی از شاعران بزرگ یا کوچک مسلمان به زبانی اروپایی اختصاص یافته باشد.» او، از روی درستی، می‌افزاید که «تعدادی از شاعران بزرگ مسلمان، هم از جهت



اهمیت و هم از جهت فراوانی آثار فکری خود به سهولت با شاعرانی چون دانته و شکسپیر و میلتنون برابری می‌کنند، اما از نظر شهرت ادبی در غرب در حاشیه قرار دارند زیرا غربیان آثار متفکران، نویسندگان و سرایندگان فارسی‌گوی و عربی‌سرای را بی‌ارزش، پیش پا افتاده، کم اهمیت و صرف نظر کردنی دانسته‌اند...» و اکنون، مجله مولانا «رومی ری ویو» (Mawlana Rumi Review) بر آن است که این کاستی و غفلت را جبران کند.

۳. ترجمه انگلیسی غزل شماره ۱۷۳۵ دیوان کبیر (مطلع: به گوش من برسانید هجر تلخ پیام) اثر فرانکلین لوئیس (Franklin Lewis)، دانشگاه شیکاگو.

۴. از بلخ تا مدیترانه ...، جلیل نوذری، دانشگاه شیراز؛ این مقاله با بررسی ابیاتی از دفاتر پنجم و ششم مثنوی، نشان می‌دهد که نمایشنامه اخلاقی «هر کس» (Everyman) و داستان عامیانه ربی ایزیک یهودیان، که به نام گنج (Treasure) نیز معروف است اگر ایرانی نباشد، بی‌گمان از متون شرقی‌ای گرفته شده است که در دوره میانه، از طریق ایران به اروپا رسیده است.

۵. مولانا جلال الدین رومی آر. ای. نیکلسون، مارتا سیمیدچیوا (Marta Simidchieva) استاد دانشگاه یورک در تورنتو؛ این مقاله که در سال ۲۰۰۷، در دانشگاه کارلتون اوتاوا ارائه شد تحقیقی است استوار و مفصل که سی و پنج صفحه مجله را به خود اختصاص داده و مفصل‌ترین مقاله آن است. این مقاله به تجلیل از مثنوی‌شناس سرشناس و مستشرق محقق رینولد الین نیکلسون و آثار او، از جمله تصحیح انتقادی عالمانه و ترجمه انگلیسی جاودانه او از مثنوی می‌پردازد.

۶. رابطه دل با عالم بالا نزد مولانا، نوشته محمد رستم، دانشگاه کارلتون اوتاوا؛ این مقاله می‌کوشد مفهوم «دل» را از دیدگاه مولانا بیان کند و نشان دهد که، صرف نظر از عقل و روح که گاهی در مثنوی معنوی با دل مترادف مفهومی پیدا می‌کنند، مولوی برای بیان بسیاری از مفاهیم ماوراءالطبیعی از دل (قلب)، استفاده می‌کند که در قرآن و حدیث نیز اشارات به آن را می‌توان یافت.

۷. ترجمه انگلیسی غزل شماره ۳۱۲، دیوان کبیر (مطلع: به جان تو که مرو از میان کار، مخسب)، اثر پال لوزنسکی، (Paul Losensky)، دانشگاه شیکاگو.

۸. حصن خدا در جان درویش است، مقاله‌ای ست به قلم البرتو فابیو آمبروسیو (Alberto Fabio Ambrosio)، کشیش دانشمند کاتولیک مذهب که سال‌هاست در باره مولوی و مولویان تحقیق می‌کند. مقاله او اختصاص یافته است به تاریخ و نمادهای طریقت مولویان، پیش از آن که حکومت جمهوری ترکیه به روی کار آید و فعالیت آنان را ممنوع سازد. نویسنده در این مقاله پس از اشاره به سماع، مطبخ داری، و چله نشینی، درباره اهمیت ذکر در طریقت مولویه سخن می‌گوید که هر مریدی و هر نو آیینی در سلسله مولویان از مرشد روحانی خود می‌آموخت و بر اساس آن در یکی از نود و نه اسم مبارک پروردگار یعنی یکی از اسماء حسنی، به مراقبه می‌پرداخت. این مقاله دو نکته را شایسته تحلیل می‌داند: استعاره حصن و آئین‌های مربوط به ذکر در سلسله مولویه.

۹. معشوق بشری و معشوق الهی در شعر مولانا جلال الدین، عبدالغفار روان فرهادی؛ نویسنده که معتقد است در دیوان کبیر، یا دیوان شمس، و در مثنوی معنوی، هم به معشوق زمینی یا بشری بسیار اشارات شده است و هم به معشوق آسمانی، یا الهی، در این مقاله به تحقیق در رباعیات مولانا اکتفا کرده و البته آن رباعیاتی را که خود نویسنده دانشمند مقاله از میان نزدیک به دوهزار رباعی انتخاب کرده و از مولانا دانسته، ملاک پژوهش قرار داده است. اما پیش از آن، همین مضمون را در شعر سنایی و عطار، نیز، به ایجاز تمام، نگاه کرده است.

۱۰. یک غزل و دو رباعی، ترجمه انگلیسی لئونارد لویسون از برخی ابیات غزل شماره ۱۸۶۹ دیوان کبیر (به مطلع: رو مذهب عاشق را برعکس روش‌ها دان) و رباعی‌های شماره ۲۲۵ و ۷۶۸ که اجازه می‌خواهم آخرین رباعی و ترجمه‌اش را، از جهت مقایسه و نشان دادن دقت مترجم، نقل کنم:

عاشق تو یقین دان که مسلمان نبود
در مذهب عشق، کفر و ایمان نبود
در عشق، تن و عقل و دل و جان نبود
هر کس که چنین نگشت، او آن نبود

Know it for certain that the lover's not a Muslim

For in the creed of love there's neither infidelity
Or faith – Once you fall in love, you have no body,
No soul, no heart, no mind: who ain't like this, ain't nothin.

۱۱. آوازه مولانا و طریقت مولویه؛ ابراهیم گمرد (Ibrahim Gamard)؛ روانپزشک و شیخ مولویان در آمریکا؛ نویسنده که صرفاً برای فهم سخنان جلال الدین محمد زبان فارسی آموخته است، ضمن ابراز شگفتی از این که با گذشت چند صد سال از درگذشت مولانا در شرق، آوازه او امروز در غرب بلند شده است، این حقیقت را مطرح می‌سازد که مولوی عارف و شاعری دانشمند است اما مردم غرب، جز معدودی، تنها او را از طریق برنامه‌هایی می‌شناسند که «درویشان چرخان» در اروپا و آمریکا، اجرا می‌کنند در حالی که نه آنان خود از مکتب روحانی و معارف مولانا باخبرند و نه تماشاگران آنان. این مقاله، بنابراین درباره تاریخچه سماع و مفهوم عارفانه و اهمیت آن، دیوان شمس و مثنوی معنوی، سخن می‌گوید و آنگاه، پس از اشاره به پژوهش‌های مولوی پژوهی، به درستی هشدار می‌دهد که از اثر بزرگ مولانا، یعنی مثنوی معنوی، که تعالیم معنوی اسلام را در خود جای داده، در غرب غفلت شده است. نیز، از روی حقیقت می‌گوید که تأویلات شاعرانه‌ای که از روی غزل‌های دیوان شمس در آمریکا منتشر می‌شود، به جای آن که او را عارفی مسلمان – همچنان که بود – معرفی کند، به غلط، به نام عارفی جهانی به شهرت رسانده است.

۱۲. آخرین نسل: تخمیس مطرف اثر احمد رمزی دده، نوشته رُدریک گریسران (Roderick Grierson)؛ مؤسسه رومی دانشگاه خاور نزدیک؛ این مقاله شرحی است مختصر درباره زندگی و آثار احمد رمزی دده، آخرین پوست نشین مولوی خانه اسکودار و یکی از آخرین دانشمندان و شاعران سلسله مولویه عهد عثمانیان که زبان فارسی را بسیار خوب می‌دانست و حتی به آن زبان شعر می‌سرود. او در حقیقت از آخرین مولویانی است که برخلاف مشایخ امروز مولویه، آثار مولانا را به فارسی می‌خواند و به دیگران می‌آموخت. احمد رمزی دده را پلی می‌داند بین مکتب ادبی تصوف دوره عثمانی و پژوهش‌های دانشگاهی در عصر جمهوری ترکیه. مخمسی از ساخته‌های او که او در باره بستن مولوی‌خانه‌های ترکیه سخن می‌گوید، به زبان ترکی همراه با ترجمه انگلیسی آن در پایان این مقاله آمده است.

۱۳. پنجاه و دو صفحه باقی مانده مجله «مولانا رومی ری ویو» به بررسی چند کتاب و معرفی مختصر نویسندگان مقالات آن اختصاص یافته است که امیدوارم مجالی دست دهد و برخی مقالات مربوط به بررسی کتاب‌ها را برای شما ترجمه کنم. کتاب‌هایی که بررسی و معرفی شده، به این شرح است:
_ شرح مثنوی شریف، تألیف احمد عونی قنوق به زبان ترکی، تصحیح مصطفی تحرالی (Tahralli)، دوره ۱۳ مجلدی، استانبول، ۲۰۰۴-۲۰۰۷.

_ طرح عارفانه مولوی، (Rumi's Mystical Design) آلبانی، ۲۰۰۹؛

_ مقالات شمس تبریز، ترجمه انگلیسی رفیق الگان و کامیل ادامز هلمینسکی، سندپوینت، ۲۰۰۸؛

_ رباعیات مولانا جلال الدین بلخی، روان فرهادی و ابراهیم گمرد، کالیفرنیا، ۲۰۰۸؛

_ آلبوم عکس‌های مولوی‌خانه‌ها، قونیه، ۲۰۰۷؛

_ پله پله تا ملاقات خدا، دکتر زرین کوب، ترجمه انگلیسی مجدالدین کیوانی، نیویورک، ۲۰۰۹؛

_ مولانای ممنوع (The forbidden Rumi)، شامل غزلیاتی از دیوان شمس درباره عشق و مستی که دولت ترکیه وسیله چاپ آنها را برای گلپینارلی فراهم نکرد. ترجمه و توضیح انگلیسی نیت ارگین و ویل جانسون، نیویورک، ۲۰۰۶؛

_ ترجمه انگلیسی مناقب العارفین افلاکی، جان اوکین؛ لیدن، بریل، ۲۰۰۲؛

_ کتاب در آب (The Drowned Book)، ترجمه کالمن بارکس و جان موین (جواد معین)، سانفرانسیسکو، ۲۰۰۴؛

_ عارفانه‌های مولانا، ترجمه آرتور آربری، تصحیح و مقدمه فرانکلین لوئیس، شیکاگو، ۲۰۰۸؛

مولانا رومی ری ویو شماره دوم، سال ۲۰۱۱

(Mawlana Rumi Review no.۲)

مجله سالانه مولانا رومی ری ویو، شماره دوم خود را در سال ۲۰۱۱ میلادی منتشر ساخت. تعداد صفحات این



شماره، که مقالاتش را معرفی خواهیم کرد، به ۱۹۹ رسیده و ۱۵ صفحه از شماره اولش بیشتر است.

۱. این شماره با گفتاری کوتاه آغاز می‌شود به قلم رُدریک گریرسون Roderick Grierson، پژوهشگر انستیتوی رومی در دانشگاه خاور نزدیک نیکوزیای قبرس، درباره تصویر روی جلد مجله، که گروهی از درویشان مولوی خانه غَلَطَه یا گَلتَه (Galata) را در حال سماع نشان می‌دهد. این نقاشی را آماندو پره زی یو سی (Amando Preziosi)، در سال ۱۸۵۷/۱۲۹۱، با آب رنگ کشیده است. آماندو که در سال ۱۶۱۶ در جزیره مالتا در خانواده‌ای اشرافی به دنیا آمد، برخلاف میل پدرش، به عالم نقاشی پا نهاد و در پاریس این فن را فرا گرفت، از آنجا به بریتانیا و سپس به ایتالیا رفت و سرانجام در سال ۱۸۴۲ سر از استانبول، پایتخت عثمانیان در آورد. نقاش خانه خود را مقابل سفارت انگلیس دائر کرد و مقیم ترکیه عثمانی شد تا چهل سال بعد که در حادثه تیر اندازی جان سپرد و در یکی از روستاهای مجاور استانبول دفن شد. تصویر روی جلد شماره دوم مولانا رومی ری ویو از آلبومی برداشته شده است به نام استامبول: خاطره‌هایی از زندگی در شرق:

Stamboul: Recollections of Eastern Life (Paris: Lemerrier & Cie, 1858).

۲. ترجمه انگلیسی فرانکلین لوئیس، دانشگاه شیکاگو، از غزل شماره ۲۱۰۲ دیوان کبیر، تصحیح فروزانفر (به مطلع: چیست با عشق آشنا بودن؟)

۳. شمشیر لا، نوشته ویلیام چیتیک، دانشگاه ایالتی نیویورک استونی بروک، در واقع نخستین مقاله تحقیقی این شماره است. چیتیک در حوزه ابن عربی شناسی صاحب تحقیقات مفصل است و به مولانا جلال الدین نیز علاقه‌مند. در این مقاله، چیتیک می‌کوشد مفهوم «حقیقت» و راه رسیدن به آن را چنان که در آثار مولانا و ابن عربی یافته، توضیح دهد. مقاله چیتیک، پس از عبور از بحث تحقیق و تقلید و دو گونه شناخت و مراتب یقین، به دریای عشق و حدیث گنج پنهان و حدیث قرب نوافل می‌رسد تا بگوید: «مولانا جلال الدین همیشه سخن را باز می‌رساند به دریای عشق، یعنی همان گنج بی‌پایان که خود را بر اثر عشق به آدمیان آشکار ساخت و اکنون آنان را فرا می‌خواند تا با ملکوت ازلی باز پیوندند.» این مقاله، نخستین بار، در کنفرانس مولانا جلال الدین محمد (اتاوا: دانشگاه کارلتون، نوامبر ۲۰۰۷)، ارائه شد و ترجمه فارسی آن، در مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۴۶، دی ماه ۱۳۸۸، ص ۴۸-۵۴، انتشار یافت.

۴. جامعه و اقتصاد در تعلیم مولانا جلال الدین، به قلم آدم اسن (Adem Asen)، عضو دانشگاه سلجوق قونیه و رئیس دانشگاه صباح الدین استانبول؛ اسن، گرچه پس از تحصیل در علوم سیاسی، و الهیات و زبان‌های عربی و انگلیسی، از دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه استانبول درجه دکتری گرفته از محققان حوزه مولوی نیز هست. او کتابی به زبان ترکی به نام «استنباط مولانا از علم اقتصاد» (Mevlana Celaleddin Rumi Iktisat Analysis) (قونیه، ۲۰۰۷) منتشر ساخته است که امیدوارم محققان ترکی‌دان ما، اگر آن را ارزشمند می‌دانند، به فارسی ترجمه کنند. او در این مقاله، که ردیک گریرسون آن را از ترکی به انگلیسی برگردانده است، پس از برخی مقدمات، درباره علل رونق اقتصادی دوره سلجوقیان آسیای صغیر (آناتولی) سخن می‌گوید و چون به «ملاطیه و نظم مادی» می‌رسد، سخن را به آنجا می‌کشد که «مولانا پول را وسیله رسیدن به مرتبه انسان کامل می‌بیند.» بخش دیگر مقاله او از توکل، کسب، و برخی مسائل اقتصادی سخن می‌گوید و روشن می‌سازد که مولانا کار کردن را راه و رسم انبیاء و اولیاء می‌داند و پولی را که از راه کسب به کف نیامده باشد، نامشروع می‌خواند. نویسنده، مقاله خود را با این عبارت به پایان می‌رساند: «مولانا به جای آن که از اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای که در آن می‌زیست انتقاد کند، این مسائل بنیادین را بر اساس معیارهای معنوی و اخلاقی مورد بررسی قرار می‌دهد.»

۵. «محک» نامی است که لئونارد لوئیسون از بیت شماره ۱۶۷۴ دفتر چهارم مثنوی گرفته است تا آن بیت را در کنار ابیات ۱۶۷۷-۱۶۸۱ و ۱۲۰۱-۱۲۰۳ از همان دفتر به زبان انگلیسی ترجمه کند. نکته جالب توجه در این ترجمه آن است که لوئیسون، بر خلاف ترتیب مثنوی، ابیات پس از ۱۶۷۴ را سه بیت منتهی به ۱۲۰۱ مقدم داشته به عبارت دیگر تفسیر مولانا از آیات ۶۷ و ۶۸ سوره طه را به سخنی از پیغمبر (ص) مستند کرده است:

گفت پیغمبر خُتُّک آن را که او / شد ز دنیا، ماند از او فعل نکو

۶. اندیشه مولانا درباره تسامح و تساهل عنوان مقاله دکتر مهدی امین رضوی، دانشگاه مری واشنگتن (University of Mary Washington) است. او این موضوع را از نگاهی فلسفی به رشته تحلیل

کشیده است تا به این نتیجه برسد که «مولوی تکفیر و تعیین تکلیف را به فقیه می‌سپارد و تعبیر و تفسیر و تبیین و تتبع را به حکیم، زیرا که خود از این هر دو وادی گذشته است ... در بیشه‌اندیشه او نه حاکمی است و نه محکومی ... عاشق فارغ است و خموش؛ نه اهل اثبات است و نه ابطال؛ او را نه از خطا دغدغه است و نه از صواب، نه از کفر و نه از ایمان.»

۷. مولانا و وادی بی‌پایان شوق، به قلم روکو دو گروت (Rukus de Groot)، دانشگاه آمستردام. موضوع رباعی ۳۱۱ مولانا، در دیوان کبیر یا کلیت شمس، تصحیح فروزانفر، نویسنده را به یاد داستان اساطیری ایزد دختی می‌اندازد به نام سیرینکس (Syrinx) که در داستانی از اساطیر یونان، تبدیل به نی می‌شود و پان (Pan) ایزدی که هوس او را در دل داشت، نیز برحسب اتفاق، به دنیایی راه پیدا می‌کند «که نویسنده آن را «وادی بی‌پایان شوق» می‌نامد. مؤلف این مقاله که با عالم موسیقی بسیار آشناست تا با وادی ترجمه محققانه شعر عرفانی، با کمال تأسف، اندیشه خود را بر ترجمه ناقص و نارسای کالمن بارکس از رباعی مولانا، استوار ساخته است، و عقیده دارد که داستان پان و سرگذشت ابراهیم ادهم، هردو، اشاره به ضرورتی مشترک دارند و آن انقلاب حال است. او ضمن بررسی داستان اشتیاقی در سخنان مولانا، می‌نویسد که شمس تبریزی مولانا را مبدل به مست خدا ساخت. موضوعات دیگری که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد عبارت است از: رقص، موسیقی، شهوت‌طلبی، باده، نوای نی، معشوق، تصویر فاعل و مفعول، عاشق و معشوق در شعر عاشقانه عرفانی؛ فنای در معشوق؛ داستان لیلی و مجنون؛ مولانا و شمس، از دانشوری تا عاشقی؛ حضور و غیبت معشوق؛ مولانا و دین؛ تبدیل شدن به آفتاب؛ و خاموشی گزیدن که در آن، شهادت بر وحدانیت حق تعالی، تصدیق توحید، کلامی زائد به نظر می‌رسد، زیرا کسی در میانه نمانده است، تا آن را بر زبان آورد. مولانا در دیوان شمس تبریزی، با پند خاموشی گزیدن، ما را برای آن دمی آماده می‌سازد که من عاشق در من معشوق گم شود:

در این دم همدمی آمد، خمش کن
که او ناگفته می‌داند، خمش کن
ز جام باده خاموش گویا
تو را بی خویش بنشانند، خمش کن

۸. هشتمین بخش شماره دوم مجله مولانا رومی ری ویو ترجمه انگلیسی ابیات ۱۸۹ تا ۲۱۱ دفتر سوم مثنوی معنوی، را در خود جای داده است: «الله گفتن نیازمند عین لبیک گفتن حق است.» مترجم این ابیات، جاوید مجددی، دانشیار گروه دین در دانشگاه راتجزر (Rutgers University) است. این مترجم افغانی الاصل که فارسی زبان مادری اوست، تا کنون دفتر اول و دوم مثنوی را به زبان منظوم و مقفای انگلیسی ترجمه و منتشر ساخته است و گرچه ترجمه‌ای خوش آهنگ و روان ارائه کرده، تقید به حفظ وزن و قافیه، سبب کاستی‌ها و افزونی‌ها یا غفلت‌ها و مسامحات بسیار در روایت او از سخنان مولانا شده است:

One night, "Allah" a Muslim would repeat,
Until, through prayer, his pious lips grew sweet

در بیت فوق کلمه، a Muslim برابر «یکی - فردی» آمده؛ pious به معنای پارسا به ضرورت وزن شعر به بیت مولانا اضافه شده و حالت استمراری فعل «می‌شد» نیز به همان ضرورت، به صیغ، ماضی مطلق تغییر یافته است. از این گذشته، مترجم ناگزیر شده برای پیدا کردن فعلی هم قافیه با sweet به معنی شیرین، فعل ماضی استمراری «می‌گفتی» فارسی را معادل repeat would انگلیسی بگیرد که به معنی تکرار کردن است:

آن یکی الله می‌گفتی شبی تا که شیرین می‌شد از ذکرش لیلی

۹. ما به پیغامبر شما اعتقاد داریم ... نام مقاله ایست نوشته رُدریک گریرسون، Roderick Grierson پژوهشگر انستیتوی رومی در دانشگاه خاور نزدیک نیکوزیای قبرس. نویسنده ضمن صحبت درباره گزارش‌های گریگوری پالاماس (Gregory Palamas) (۱۲۹۶-۱۳۵۹) بزرگترین عارف مکتب هسی چست Hesychastism، که از مدارای مذهبی حکومتگران و زندان بانان عثمانی به هنگام اسارتش در بندر گالی پولی، در یک قرن پس از مردن مولانا جلال الدین، سخن می‌گوید، نتیجه می‌گیرد که تحقیق در زمینه روایت‌های افلاکی از مماشات و مدارای مولانا با پیروان ادیان و مذاهب مختلف که مولانا را پیشوای خود می‌خواندند، نشانه‌های روشنی از شیوه همزیستی پسندیده آنان را نمایش خواهد داد.



۱۰. تجلیل از پروفیسور نیکلسون، نوشته بدیع الزمان فروزانفر، ترجمه رسول سرخابی، دانشگاه یوتا. رینولد الن نیکلسون (۱۸۶۸-۱۹۴۵) مستشرق و مولوی‌شناس نامدار بریتانیایی، به سبب خدمات خود به جهان فرهنگ و ادب ایران زمین، بر گردن ایرانیان حق بسیار دارد. او نخستین مصحح مثنوی معنوی به روش علمی انتقادی، بزرگترین مترجم و شارح اروپایی اندیشه‌های مولانا عارف و شاعر گرانقدر ایرانی است که آثارش هسته محوری مولوی‌شناسی را در همه مراکز علمی گیتی به وجود آورده است. مثنوی مصحح او، علیرغم تحصیحات عدیده دیگری که از مثنوی مولانا جلال الدین روائه بازار شده، هنوز هم در مراکز علمی صاحب برترین اعتبار است، بدین سبب هاست که استاد شادروان، بدیع الزمان فروزانفر ادیب و مولوی‌شناس شهیر ایرانی در تجلیل از مقام علمی و خدمات نیکلسون به فرهنگ و ادب فارسی، سخن می‌گوید و چکامه می‌سراید. این سخنرانی اکنون به صورت مقاله‌ای به زبان انگلیسی، در دومین شماره مجله مولانا رومی ری ویو به چاپ رسیده است. اصل فارسی این گفتار دانشمندانه را می‌توان در مجموعه مقالات و اشعار استاد بدیع الزمان فروزانفر، به کوشش عنایت الله مجیدی (تهران: دهخدا، ۱۳۵۱)، ص ۲۳۰-۲۳۷، یافت.

۱۱. شرح مسلمان شدن مغولان در مناقب العارفين ... تحقیق جان دیچنت (John dechant)، دانشجوی دکتری در دانشگاه ایندیانا. این مقاله گزارش‌هایی را ارزیابی می‌کند که افلاکی در آنها، مولانا را سبب مسلمان شدن چند نفر از امیران و خان‌های مغول (ایلخانان) معرفی می‌کند و حتی نحوه اسلام آوردن آنها را نیز توضیح می‌دهد. اما فریدون سپهسالار که رساله خود را پیش از مناقب العارفين نوشته، تنها یکی از این وقایع را حکایت کرده است - داستان مسلمان شدن گیگاتو در هر دو کتاب هست و نویسنده محقق این مقاله تفاوت روایت‌های آن دو را فهرست و تحلیل می‌کند و در پایان توجه می‌دهد که فایده گزارش‌های مسلمان شدن مغولان، صرف نظر از درستی یا نادرستی آنها، هویت دادن و مشروعیت بخشیدن به سلسله مولویه است که می‌دانیم پس از درگذشت مولانا تأسیس شد. مقاله جان چنت را می‌توان معیاری گرفت بر میزان درستی سخنان افلاکی درباره کرامات منسوب به مولانا و جانشینان او.

۱۲. ترجمه انگلیسی پال لوزنسکی (Paul Losensky)، دانشگاه ایندیانا (Indiana University) از غزل شماره ۱۷۵۹، دیوان شمس تصحیح فروزانفر (به مطلع: وه چه بی‌رنگ و بی‌نشان که منم) همراه با ترجمه انگلیسی روایت افلاکی از داستانی که مدعی است سبب انشای آن، این غزل بوده است (ر. ک. کلیات شمس، تصحیح فروزانفر، جلد ۴ ذیل صفحه ۷۹).

۱۳. آخرین مقاله، تحلیل نحوی عبارت‌های استعاری در ترجمه نیکلسون از مثنوی، نام بهروز محمودی بختیاری از دانشگاه تهران و رضا عباسی از دانشگاه علوم کاربردی تهران، را بر خود دارد و تحقیقی است پیوسته به دانش زبان‌شناسی که نشان می‌دهد نیکلسون در ترجمه عبارت‌های دارای معنی استعاری از متد عبارت به عبارت بیش از سایر شیوه‌ها استفاده کرده (۹۰/۰۸ درصد) و بدین ترتیب توانسته است به متن اصلی وفادار بماند. شیوه‌های دیگری که نیکلسون برای ترجمه عبارت‌های دارای معنی استعاری بکار برده، عبارت است از ترجمه عبارت به جمله (۲/۶۹ درصد) و عبارت به کلمه (۷/۲۳ درصد).

۱۴ و ۱۵. قبل از معرفی مختصر نویسندگان مقالات این شماره، تنها دو کتاب بررسی شده است: درویشان چرخان و آئین‌های عرفانی قرن هشتم اشانزدهم (پاریس: ۲۰۱۰) که در ۴۱۸ به زبان فرانسه نوشته شده است؛ و مولوی‌خانه‌های استانبول (استانبول، ۲۰۱۰) که تحقیقی است ۳۵۹ صفحه‌ای به زبان ترکی. پی‌نوشت:

1. Coleman Barks
2. Rumi Institute, Near East University, Nicosia, Cyprus
3. Rumi Studies Group at the Centre for Persian and Iranian Studies
4. Institute of Arab and Islamic Studies
5. University of Exeter, U.K.
6. Leonard Lewisohn

